



مصطفی کواکیبان، رئیس فراکسیون دیپلماسی و منافع ملی مجلس دهم شورای اسلامی، معتقد است سیاست خارجی فعلی جمهوری اسلامی با نزدیک شدن به کشورهایی از قبیل روسیه و چین از شعار «نه شرقی نه غربی» فاصله گرفته است. او معتقد است که در حال حاضر ایران بهای سنگینی بابت فروش پهلپادها به روسیه می‌پردازد و از طرفی بر این نکته تاکید می‌کند که پوتین شریک مورد اعتمادی برای تهران نیست. متن گفتگوی تفصیلی خبرنگار سیاسی مثنیبان با مصطفی کواکیبان به شرح زیر است:

از زمان شروع به کار مجلس یازدهم و دولت سیزدهم شاهد اتفاقاتی از جمله تنش‌هایی بین ارمنستان و آذربایجان، جنگ اوکراین، ادعاهاسای چین در رابطه با جزایر ایران، حوادثی که برای تاسیسات وزارت دفاع و … رخ داد هستیم، ارزیابی شما از آنچه که تاکنون در حوزه سیاست خاری اتفاق افتاده چیست؟

این سوال دو وجه دارد، یکی اینکه واقعا شرایط بین‌المللی و عرصه سیاست خارجی در چه وضعیتی قرار دارد و مورد دیگر اینکه ما در دولت سیزدهم چه اقدامی انجام دادیم. به‌هر حال این را باید بپذیریم که تحولات دنیا به سرعت در حال تغییر به سمت وضعیت‌های جدیدی است که ما باید سناریوهای منطقی بسا آن وضعیت جدید را پیش‌بینی و طراحی کنیم و جنبه اجرایی به آن بدهیم. در حال حاضر بیش از یک سال از جنگ اوکراین می‌گذرد و در این مدت فقط به سیاست خارجی ما هزینه تحمیل شده و فوایدی نصیب ما نشده است. اتحادیه اروپا، آمریکا و کشورهای غربی در حال تأمین منافع خودشان و به دنبال کارهای خودشان هستند اما ایران جویش را می‌خورد که این ظلم به ایران است.

اینکه ما متوجه به این باشیم که پهلپادهایی در اختیار روس‌ها قرار دادیم و شرط کردیم که نباید استفاده کنند، خود این اقدام هم‌سویی با سیاست روس‌ها در تجاوزی است که به اوکراین داشتند که یک راهبرد منطقی نیست. ما همیشه با ظلم و تجاوز و محضف بودیم و تجاوز روس‌ها هم یکی از آنها محسوب می‌شود. هر چند روس‌ها با چرکه‌هایی که می‌اندازد به خودشان حق می‌دهند اما آنها حرف‌های خودشان را دارند ما چرا باید در کنار روس‌ها بایستیم و از این بابت هیچ منافعی به ما نرسد. بنده یقین دارم که خود روس‌ها اگر قرار باشد از نظر سیاسی و اقتصادی بین ایران و کشورهای غربی چرکه بیندازند ممکن است ایران را به راحتی بفروشد. برای نمونه همین قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین که زمان طرفی که وزیر خارجه بسپار مقدر بود، هوشمند بود اما قرار شد اجرایی شود و ممکن است از داخل آن نفع‌نامه ۲۵ ساله ده‌ها قرارداد در جنبه‌های مختلف همکاری بیسرون بیاید اما در هر حال این نفع‌نامه، به راحتی توسط چینی‌ها دور زده شد. در حقیقت طرف چینی چرکه انداخت و متوجه شد که منافع اقتصادی‌اش در همسویی با عریستان بهتر تأمین می‌شود.

در رابطه با آذربایجان و حمله‌ای که به سفارت‌خانه این کشور شد و از آن طرف هم ما می‌دانیم که بعضی از عوامل اینها در محله به شاه‌چراغ دست داشتند در مجموع نباید روابط دو کشور را تحت‌الشعاع برخورد موضعی از اتباع دو کشور قرار دهیم اما ظاهرا علی‌ای سه این موضوع توجه ندارد و در مقابل برخوردهایی که انجام می‌دهد، ما خوشبختنداری می‌کنیم. اما به نظر می‌شود و می‌شود به نحوی به کشور آذربایجان تفهیم کرد که دستت از پا دراز نکند. در مورد آذربایجان و روابطی که ما با ارمنستان داریم و اختلافاتی که بر سر قره‌باغ داریم مباحث فراوانی مطرح است اما می‌خواهم بگویم در روابط خارجی‌مان باید در وهله اول منافع ملی ایران را سرلوحه قرار بدهیم و در این رابطه هر جایی منافع ملی اقتضا می‌کنند، باید برای آن تعریف داشته باشیم. هر چند که نگاه‌های براسته از مواضع دیدگاه اسلام‌ها هم برای ما مهم است اما همان مواضع هم این اجازه را به ما می‌دهد که با اولویت منافع ملی برنامه‌ریزی کنیم. لذا من معتقد هستم که خوب عمل نمی‌کنیم.

شفاییت در بحث سیاست خارجی بسیار مهم است. مردم اگر از روابط خارجی ما مطلع باشند بهتر از سیاست خارجی پشتیبانی می‌کنند. برای مثال همین بحثی که در مورد مردم مطرح است مسئولان ما می‌گویند آنها مقصدند آنها هم می‌گویند ایران مقصر است. نمایندة اتحادیه اروپا یا حتی خود امریکایی‌ها می‌گویند ما نمی‌خواهیم برجام به راحتی از دست برود و از آن طرف هم شاید همکاری لازم را انجام ندهند. می‌خواهم بگویم یک بخش این مسائل شاید به این برمی‌گردد که ما باید شفافیت‌های لازم را داشته باشیم. باید بدانیم، چه بخواهیم و چه نخواهیم سیاست خارجی در عرصه‌های اقتصادی کشور تأثیرگذار است. این بسیار مهم است. هرگونه سرمایه‌گذاری بخواهیم صورت بگیرد اگر روابط خارجی ما مناسب نباشد قطعاً سرمایه‌گذاری داخلی هم ریسک نمی‌کند چه برسد به اینکه سرمایه‌گذار خارجی بخواهد سرمایه‌گذاری کند.

بعضی‌ها می‌گویند ما معیشت مردم را به برجام گره نمی‌زنیم اشکال ندارد ما هم نمی‌خواهیم گره بزینم اما گره خورده است. وقتی ارزش پول ملی در همین ۱۰ ماه امسال نزدیک ۳۰ درصد کاهش پیدا کرده یعنی قدرت خرید مردم ۳۰ درصد پایین آمده است. نکته دیگر این است که به عقیده من بیش مهمی از بحث‌های کلان اقتصادی و مسائلی که در این زمینه مطرح است، مربوط به سیاست خارجی است و اگر سیاست خارجی تنظیم نشده باشد می‌توانیم اوضاع اقتصادی خود را کامل کنیم. در مجموع به عقیده من سه اشکال وجود دارد؛ یکی اینکه برنامه‌ریزی جدی دربار هر کشور، منطقیه، بلوک یا مرکز قدرتی در دنیا نداریم و تعیین تکلیف نکرده‌ایم که چه کار کنیم. دوم اینکه اگر هم برنامه‌ریزی داریم اما رفتار هوشمندانه و دقیقی برای رسیدن به منافع ملی نداریم. سوم اینکه شفافیت در سیاست خارجی ما کم است تا جایی که خبرگزاری‌های خارجی و دستگاه‌های رسانه‌ای خارجی که دست‌گزارایی هم در

دیپر کل حزب مردم‌سالاری:

در جنگ اوکراین به سیاست خارجی ما هزینه تحمیل شد

اختیار داشته باشد، صحبت کند و در چارچوب منافع ملی ایران بحث کند.

در صحبت‌هایتان به دولت سیزدهم و مذاکراتی که با آمریکا داشت اشاره کردید، به نظر شما عملکرد دولت سیزدهم در یک سال و نیم گذشته به چه صورت بوده است؟

واقعیت این است که این دولت حداقلی است. یعنی دولتی که قسیر کار است، بر اثر انتخابات کاملا رقابتی بر سر کار نیامده است. نفر دوم انتخابات ریاست جمهوری سیزدهم شخصی است به نام آقای «آرای پاطله» و نیم میلیون نفر، این وضعیت رقابت است. حتی دوستانی مثل مهرعلیزاده یا همتی که در انتخابات حضور داشتند اصلاح‌طلب نبودند به این مفهوم که آنها را جبهه اصلاحات به عنوان کانیدا معرفی نکرده بود. شورای نگهبان همه کسانی را که جبهه اصلاحات مطرح کرده بود بدون استثنا رد کرد. جالب اینکه بر اساس ابلاغیه شورای نگهبان و آن ۲۸ پرونده‌ای که جدا کرده بودند واجد شرایط بودیم.

در مجموع انتخابات ریاست جمهوری به این ترتیب شد که گفتند یکی اصلی بود، دو تا هم فرعی بود، چهارتا هم پوششی آمده بودند البته نمی‌خواهم توهین کنم اما اساسا ما رقابتی در انتخابات مشاهده نکردیم. لذا با ۱۷ تا ۱۸ میلیون رای این وضعیت به وجود آمد. بنابراین این دولت از ابتدا مسئله داشت. حالا به هر دلیلی دولت سیزدهم روی کار آمده، باید قدر این موقعیت را بداند و تا آنجایی که می‌تواند در جهت وفاق، اجماع و گفت‌وگوهای ملی و دخالت دادن سایر جناح‌ها، احزاب و فعالان سیاسی اقدام کند اما متأسفانه دوستان خیلی این کار را نمی‌کنند. از اول گفتند ما می‌خواهیم چندین قراردادی در موارد مختلف احداث کنیم با نیروهای انقلابی و جهادی. ما هم خوشحال بودیم که اگر بتوانند کاری انجام دهند ولی واقعا کدام شاخص از لحاظ اقتصادی رشد کرد؟ بنده یکی از منتقدان دولت روحانی بودم و حرف‌ها و بحث‌های ما هم در مجلس وجود دارد، با اینکه برای روی کار آمدن روحانی کمک کردیم اما انتقاد هم داشتیم اما خداکیلی این شاخص‌هایی که الان اینن دولت در بحث‌های اقتصادی دارد. آیا ارزش پول ملی قوی‌تر شده؟ آیا تورم کاهش پیدا کرده؟ وضعیت کلان کسب و کار بهتر شده؟ اشتغال قوی‌تر شده؟ سرمایه‌گذاری بیشتر شده؟ دولت در مباحث مربوط به کاهش فساد و رانت‌ها چه اقدامی انجام داده است؟

جالب این است که دولت حتی این مجلس حداقلی را هم تحویل نمی‌گیرد البته حق این مجلس است. مجلس به جای اینکه به طرح‌های کلان سرمایه‌گذاری بپردازد، راجع به کارت ملی بدحجاب‌ها بحث می‌کند حقتش است که مورد بی‌اعتنایی قرار بگیرد. واقعا معنی دارد؟ آیا می‌شود با کارت بانکی و کارت ملی جلوی افراد را گرفت؟ این طرح‌های مجلس است و در مورد دیگر طرح می‌دهند که اگر قبل از مقدمات رسمی، بعضی افراد مشهور لاید به ما که مشهور هستیم می‌گویند اظهار نظر کنند بین ۱۰ تا ۱۵ سال حبس‌شان کنیم، یعنی واقعا شگفت‌تر از این نمی‌شد نمایندگان طرح بدهند. علاوه بر این تاکنون ۱۰ بار درباره طرح صیانت بحث شده است. در مجموع نمایندگان از مجلس مشغول این کارها هستند که چگونه فیلتر کنند یا چگونه شل حجاب‌ها را با کارت‌های بانکی یک خرده باحجاب کنند یا اشخاص مشهور را تهدید کنند به اینکه شما حق اظهار نظر ندارید.

من معتقد هستم که در یک ارزیابی باید مشاهده کنیم دولت چقدر به سفره مردم خدمت کرده است. اگر واقعا آمار دهند که ما کاری کرده‌ایم که سفره مردم خیلی قوی‌تر شده ما هم می‌گوییم دست مرزبان، درود بر شما اما با هر آماري جلو می‌رویم مشاهده می‌کنیم که وضع خراب‌تر شده است. گفتند ما فقط می‌خواهیم چهار کالا را «جراحی اقتصادی» کنیم. منتهی جراحی‌شان روی همه کالاها اثر گذاشته است. می‌گویند فقط قیمت گوشت بالای ۲۵۰ تا ۲۶۰ هزار تومان شده است. واقعا بعضی خانوارها قس می‌خورند که چند ماه است گوشت وجود دارد. متأسفانه تفکر این مجلس این تیبی است. می‌گویم بروید FATF را حل کنید می‌گویند ما که تحریم هستیم این هم روی آن. می‌گویم ما از لحاظ پولی برای کالاهایی که صادر می‌کنیم مشکل داریم. می‌گویند باید یک جوری حل شود اما روابط خارجی ما نباید به سمت حل شدن برود. من فکر می‌کنم این دو گروه در مجلس هستند که محضف بینای عقلائی شده‌اند و معتقدند حاضر هستیم درباره برجام بحث کنیم. برای نمونه اخیرا کوثری گفته بود بهترین چیز برجام است و بهتر از این نمی‌شود. اینها می‌گویند چون ما پیگیری می‌کنیم خوب است ولی اگر دیگران پیگیری کنند خوب است. اتفاقا به عقیده من این دسته دوم با عقلائی بیشتری دارند. حداقل جناحی فکر می‌کنند و به نحوی می‌خواهند منافع جناح خودشان را تضمین کنند. اما تفکر پایدارچی‌ها که خیلی فکر نمی‌کنند که اصلا بتوانیم روابط خودشان داشته باشیم همچنان وجود دارد. متأسفانه تفکر این مجلس این تیبی است. می‌گویم بروید FATF را حل کنید می‌گویند ما که تحریم هستیم این هم روی آن. می‌گویم ما از لحاظ پولی برای کالاهایی که صادر می‌کنیم مشکل داریم. می‌گویند باید یک جوری حل شود اما روابط خارجی ما نباید به سمت حل شدن برود. من فکر می‌کنم این دو گروه در مجلس هستند که محضف بینای عقلائی شده‌اند و معتقدند حاضر هستیم درباره برجام بحث کنیم. برای نمونه اخیرا کوثری گفته بود بهترین چیز برجام است و بهتر از این نمی‌شود. اینها می‌گویند چون ما پیگیری می‌کنیم خوب است ولی اگر دیگران پیگیری کنند خوب است. اتفاقا به عقیده من این دسته دوم با عقلائی بیشتری دارند.

حداقل جناحی فکر می‌کنند و به نحوی می‌خواهند منافع جناح خودشان را تضمین کنند. اما تفکر پایدارچی‌ها که خیلی فکر نمی‌کنند که اصلا بتوانیم روابط خودشان داشته باشیم همچنان وجود دارد. متأسفانه تفکر این مجلس این تیبی است. می‌گویم بروید FATF را حل کنید می‌گویند ما که تحریم هستیم این هم روی آن. می‌گویم ما از لحاظ پولی برای کالاهایی که صادر می‌کنیم مشکل داریم. می‌گویند باید یک جوری حل شود اما روابط خارجی ما نباید به سمت حل شدن برود. من فکر می‌کنم این دو گروه در مجلس هستند که محضف بینای عقلائی شده‌اند و معتقدند حاضر هستیم درباره برجام بحث کنیم. برای نمونه اخیرا کوثری گفته بود بهترین چیز برجام است و بهتر از این نمی‌شود. اینها می‌گویند چون ما پیگیری می‌کنیم خوب است ولی اگر دیگران پیگیری کنند خوب است. اتفاقا به عقیده من این دسته دوم با عقلائی بیشتری دارند.

وقتی که بحث برجام مطرح بود آینا درباره مذاکره مستقیم با آمریکا نیز موضعی مطرح شد؟

شاید دولت روحانی و خود طرف هم دست داشتند مذاکره مستقیم با آمریکا صورت بگیرد اما این مورد از جمله تصمیماتی است که شورای عالی امنیت ملی می‌گیرد که یک نهاد بالادستی است و همه تصمیمات در آنجا باید با اجازه مقام رهبری گرفته شود، لذا در شورای عالی امنیت ملی تصمیم می‌گرفتند که مذاکرات‌های میان ایران و آمریکا صورت نگیرد. حتی روحانی که به آمریکا می‌رفت تلفنی چند دقیقه با اوپاما صحبت می‌کرد. به نظر بنده صحبت درباره مذاکره با آمریکا یک حرف کارشناسی نیست. اگر ما از آموزه‌های دینی و صدر اسلام الگو می‌گیریم، حتی در جنگ‌های بسیار مهم هم مذاکره با طرف مقابل به صلح حدیبیه هشت بار با بدترین مشرکان نشست و مذاکره کرد، علاوه بر این در حادثه کرلا مذاکراتی صورت گرفت، خیلی موارد بوده که حتی با دشمن خونی هم مذاکره صورت گرفت. منتهی اینجا به دلالی پول‌های امنیت ملی اجازه نداد و الان هم متأسفانه می‌گویند ما به صورت غیرمستقیم با آمریکا مذاکره می‌کنیم. این چه فایده‌ای دارد؟ شخصی می‌گفت این گروسی که مقدار نقل نسجم هم دارد و شنوایی‌اش یک مقدار ضعیف است. حالا رو در رو هم به او می‌گویم گاهی نمی‌شود حالا بباییم به یک واسطه بگوییم که او برود به گروسی بگوید که یا او متوجه شود یا نشود. بنشینیم و با هم صحبت می‌کنیم و هیچ تاپویی نباید باشد.

واقعا معتقد هستم این تصمیمات که در شورای عالی امنیت ملی اتخاذ می‌شود باید اصلاح شود و متأسفانه می‌بینم این بحث همچنان ادامه دارد. همین دولت مذاکرات زیادی با امریکایی‌ها داشته است منتهی غیرشفاف و باز غیرمستقیم. به عنوان مثال وزیر خارجه قطر می‌آید پیام امریکایی‌ها را برای ما می‌آورد. قطر به دنبال منافع خودش است و دلش نه برای ما می‌سوزد نه طرف امریکایی بلکه برای خودش این کار را انجام می‌دهد و می‌خواهد بگوید من میانچی گر بسیار قوی هستم. واقعیت اسمر درباره پیام‌های طرف امریکایی این استس که این پیام‌ها، پیام‌هایی هستند که آمریکا از طرفی آنها بتواند به افکار عمومی خودشان بگوید ما مسائل را پیش می‌بریم. کنترل می‌کنیم و بحث‌های هسته‌ای ایران را تحت نظر می‌گیریم. در مجموع این ما هستیم که باید ببینیم منافع ملی در کجا است. البته ما در مورد عراق، افغانستان و موارد مختلف مذاکره مستقیم با آمریکا داشتیم اما این موضوع، موضوع دیگری است. وقتی بحث خودمان می‌شود آن‌وقت باید واسطه بیاید و مذاکرات غیرمستقیم باشد. در نهایت معتقد هستم به راحتی می‌شود ضمن حفظ عزت، مصلحت، حکمت، منافع ملی و رعایت خطوط قرمز مذاکرات مستقیم با آمریکا داشت. وقتی نفر ما می‌رود مذاکره می‌کند یا به او اعتماد و اطمینان نداریم پس چرا او را گذاشتیم مذاکره کند و اگر اعتماد و اعتقاد داریم که باید

بی‌اعتنایی شده از لحاظ اجتماعی بیاید و بروز و ظهوری داشته باشد، البته جریانات مختلفی هم خواستند از آن استفاده کنند. یک جریان اصلا ککاش هم نگزید و گفت اصلا اتفاقی نیفتاده. همان تعبیر احمدی‌نژاد که می‌گفت خس و خاشاکی هستند که از بسین می‌روند و اینها مهم نیستند و واقعا هم اینجوری برخورد می‌کردند، یعنی می‌گفتند الحمدالله همه امور گل و لبلب و خیلی قشنگ است و اینها هم می‌گذرند و در نهایت هم می‌گفتند اینها تحت تاثیر خارجی‌ها و شبکه‌های خارجی هستند. عده‌ای هم سریع این بحث را مطرح کردند که این نشان می‌دهد که نظام باید براندازی شود. من به هر دو انتقاد داشتیم. هم به آنهایی که می‌گفتند به هر قیمتی هست باید نظام را براندازی کنیم و عده‌ای هم می‌گفتند به هر قیمتی هست باید سرکوب کنیم. هر دو اشتباه می‌گفتند چرا که ما باید می‌فهمیدیم این نسل جدید خواسته‌هایی دارد. خوشبختانه این عفو گسترده‌ای که مقام رهبری دادند را به فال نیک می‌گیرم.

همان اوایل کار می‌شد همه این کارها را رتق و فتق کرد و خیلی از این بازداشتی‌ها ناراضحتم اما متأسفانه عده‌ای این وسط به هر دلیلی کشته شدند. در هر طرفی باشد، چه بچه‌های نیروی انتظامی و مدافعان امنیت، چه مردم عادی از بین رفته باشند، همه فرزندان ما هستند و نباید این اتفاق می‌افتاد. تحلیل پدیده پسمامسازی اخیر با تحلیل ۹۸ و ۹۶ فرق می‌کند و اینکه راه‌های برون رفت چگونگی باشد، یکی همین بحث عفو گسترده بود که به نظر خیلی خوب بود و خیلی موارد دیگری که ما پیشنهادهایی داده‌ایم و باید پیگیری شود.

به اتفاقات سال ۹۸ اشاره کردید آیا در آن زمان به این موضوع ورود کردید؟

ما چندین بار به خاطر زندانیان سیاسی، وزیر کشور را به مجلس کشاندیم. البته لاریجانی نگذاشت به استیضاح وزیر کشور برسد اینجا باید بگویم. به هر دلیلی بود ایشان مانع کار بود. ما در کمیسیون‌های مختلف مثل امنیت ملی و حتی کمیسیون شوراها چون بگنیز بحث استیضاح بودیم، رفتم. بحث‌های مختلفی مطرح کردیم اما به نتیجه نرسید. البته در ۹۸ بحث زندانیان سیاسی به آن مفهوم مطرح نشد. البته در حد توانمندی، بحث زندانیان سیاسی و محیط زیستی را پیگیری کردیم چون متوجه این ۹۸ موقعی که گفتی از خبرگزاری‌ها که می‌گویند هزار و ۵۰۰ نفر کشته شدند بی‌خود می‌گویند، در نهایت ۱۹۰ و خرده‌ای نفر کشته شدند که بعدا مشخص شد ۲۲۰ نفری که در گزارش‌ها آمد به آمار ما نزدیک بود. دلیل این مسئله هم این است که ما هیچ وقت مرعیت رسانه‌ای به داخل نمی‌دهیم. صدا و سیما یا حرف‌هایی می‌زند که گفتنش بهتر است. حرف‌هایی که نه تنها در آن اخلاق سیمای گوش نمی‌دهند. روزنامه‌های دولتی هم که باید حرف‌های دولت و حکومت را بزنند. کمیسی روزنامه‌های حزبی و سیاسی مستقل مثل روزنامه ما می‌ماند که اینها هم همیشه باید بروند در دادگاه‌ها جواب بدهند. بنده در همین پنج ماه اخیر سه بار به دادسرای رسانه رفتم. البته خوشبختانه در همه موارد منع تعقیب خودروام این حرف‌های بی‌ربط عجیب و غریب گفته می‌شود. به عنوان مثال می‌گویند به دلیل اینکه عکس همسایه را مشککی چاپ کردید و فرح پهلوی هم اعلام عزای عمومی کرده پس تبعیت از فرح پهلوی کرده‌اید، ببینید کجا را به کجا برز داده‌اند. من گفته من اصلا نمی‌دانستم، مگر او هم اعلام عزای عمومی کرده بود؟ اصلا مشککی را به خاطر عزاداری نشان می‌دهند دیگر نمی‌توانستیم زرد یا سبز چاپ کنیم.

بنابراین همان موقع آبان ۹۸ هم وضعیت به همین ترتیب بود که گوش شنوایی نگذاشتیم. لذا باید ببینیم «هن و تو»، «بی‌بی‌سی پرسین»، «VOA» و «اینترنشنال» که خیلی میدان‌داری می‌کنند و اخیرا هم معلوم شده پو‌ل‌هایش را غربستان می‌دهد چه می‌گویند، در هر حال اینها باید میدان‌داری کنند چون به چند تا روزنامه مستقلی که بتوانند حرف جدی بزنند و دچار محدودیت‌ها نباشند اجازه نمی‌دهیم. امیدواریم یکی از بحث‌های که اصلاح شود همین موضوع رسانه باشد.

در مجلس دهم وقتی روزه‌های اول درباره هواپیمای اوکراینی از مسئولین سوال می‌پرسیدید چه پاسخی می‌دادند؟ اصلا بحث اصابت موشک را مطرح نمی‌کردند؟

قبل از اینکه سلامی به مجلس بیاید و اعتراف کند که در اثر اشتباهی که بدفاند مرتکب شده این اتفاق افتاده مرتب پیگیری می‌کردیم و می‌گفتند هیس! هیچی نگو بالاخره ببینیم چه می‌شود. نه فقط ما بلکه مقامات مثل طرف هم می‌گفتند، ما هیچ خبری نداریم. اتفاقی بود که بعد از اینکه ما آن پایگاه عراقی‌ها را زده بودیم رخ داده بود همه چیز احتمال داده می‌شد، حتی رئیس سازمان هواپیمایی کشور مرتب تکذیب می‌کرد. در آن حادثه هم بهتر می‌شد مدیریت کرد تا وضعیت بهتری داشته باشیم.

بسیاری معتقدند که اصلاح‌طلبان راه به جایی نبرند و اصلاحاتی که مد نظر مردم بود اتفاق نیفتاد و فاصله بین مردم و اصلاح‌طلبان بیشتر از همیشه شده، چه تضمینی وجود دارد که اصلاح‌طلبان بعد از این اصلاحات مورد نظر مردم را انجام دهند و آیا شورای اصلاحات چنین پتانسیلی را دارد؟

ما برای برون‌رفت از این مشکلات باید یک تصمیم سیاسی بگیریم. درست‌است که مردم مشکلات اقتصادی دارند ولی همه بحث‌های اقتصادی به سیاست برمی‌گردد. بخشی از این تصمیم سیاسی هم باز به روابط بین‌المللی و سیاست خارجی برمی‌گردد. اما تصمیم سیاسی این است که یا ما باید این نظام را به کلی براندازی کنیم یا باید آن را اصلاح کنیم. راحل سومی که بعضی دوستان می‌گویند چیست؟ غیر از براندازی و غیر از اصلاح، راحل سوم همین است که هست و دست‌اندرکاران می‌گویند این بهترین است. ما که می‌گوییم این وضع به درد نمی‌خورد و بهترین نیست، ضمنا هم معتقد به براندازی نیستیم و دلیل هم داریم. دلیل‌اش این است که ما باید ببینیم اگر امکان این براندازی وجود دارد دنبال چه کسانی برویم؟ دنبال تجزیه‌طلب‌ها؟ دنبال اپوزیسیون که خودشان هزار جور گرفتاری با هم دارند. کسی که مسئول اندر نسل یا پادشاهی زندگی کرده یک دفعه می‌خواهد برای ما جمهوری خواه شود؟ لذا معتقد هستیم که براندازی هیچ فایده‌ای ندارد و عملا هم این ۴۰ و چند سال را با همه مشکلاتش تجربه کردیم. بسیاری از بستگان خود من در جنگ شهید شدند. از اخوی و برادر خانم من همگی شهید شدند، به خون این شهدا بگویم آقا خداحافظ شما، بروید که ما می‌خواهیم یک نظام دیگری بیآوریم؛ ما باید همین نظام را اصلاح کنیم. چاره دیگری نداریم. می‌گوییم مردم اصلاح‌طلبان برخواستند؟ باید اتفاقا این شعار «اصلاح‌طلب اصولگرا دیگه تمومه ماجرا» را اصولگرا‌ها درست کردند چراکه اصولگرا‌ها می‌بینند در میان مردم پایگاهی ندارند، می‌گویند حداقل اصلاح طلبان را خراب کنیم بروند دنبال کارشان خب بدش به این خود؟ جوابی ندارند. اگر واقعا وضع موجود بدیم. همین بود که اصلا این اتفاق می‌شود؟ به‌هرحال اینها با همه اخیرا صحبت‌هایی که رهبری در بحث‌های اقتصادی داشتند. اظهارات ایشان به نحوی بود که دیدیم حرف‌های ما است، همه مشکلات اقتصادی را آقا می‌گویند اینکه سرمایه‌گذاری انجام نمی‌شود، رشد اقتصادی کم است و بهره‌وری کم است. اگر وضعیت این است باید اصلاح کنیم. راه اصلاح این

ما هزینه تحمیل شد

نیست که ما به اصلاح‌طلبان بگوییم بروید دنبال کارتان بعد بنشینیم نگاه کنیم که براندازها بیایند. یکی از راه‌هایی که حزب مردم‌سالاری به شدت بدنبال آن است اصلاح قانون اساسی است. ممکن است برخی بگویند الان رفاندوم بر گزار کنیم که مردم بپذیرند مجلس موسساتی بیاید که قانون اساسی را به کلی تغییر دهد. این ایده خوبی است ولی چه کسی می‌خواهد آن را اجرا کند؟ کدام حکومت می‌گوید من می‌خواهم رفاندوم نمی‌دهند. این کار کتم که من را براندازی کنید؟ اصلا چنین چیزی را اجازه نمی‌دهند. یا اینکه بگوییم یک کشور خارجی برای ما رفاندوم برگزار کند اصلا معنی ندارد. به عنوان یک گام ما باید قانون اساسی فعلی را اصلاح کنیم و اگر در آینده فرصتی شد تغییرات بیشتری دهیم و خواسته‌های بیشتری مطرح کنیم.

لذا واقعا معتقدم بیانیه‌ای که خاتمه داد و ۱۵ موردی را که مطرح کرد اظهارات درستی است. اینکه بگوییم اصلاح‌طلبی راحل نیست، راحل‌های دیگرش یا رضایت به وضعیت موجود یا براندازی نظام است که ما با هر دو مخالف هستیم. پس همان اصلاح‌طلبی راحل اصلی است و باید پیگیری کنیم.

آیا در انتخابات مجلس دوازدهم به عنوان داوطلب شرکت می‌کنید؟

الان زود است این صحبت‌ها را انجام دهیم. در آبان ۱۴۰۲ می‌توانم در این باره نظر بدهم. ما سه نکته محوری داریم که در حزب مردم سالاری هم راجع به آن بحث کردیم. یک نکته میزان مشارکت مردم است. اگر مردم در حد ۱۸ درصد مشارکت داشته باشند که در مجلس یازدهم در تهران شرکت کرده بودیم، من که رد صلاحیت نشده بلکه در تهران سی و هفتم شدم چون ۱۵ درصد شرکت کردند. همان موقع به قالیاب گفتم تو نفر اول انتخابات مجلس یازدهم بودی و تازه به اندازه منی رأی آوردی که در مجلس دهم نفر ششم بودم و یک میلیون و ۲۶۵ هزار رأی آوردم، دلیل‌اش این بود که اکثریت مردم شرکت کردند. علاوه بر این دلیل‌های اخیر وزارت کشور گفتم همه احزاب بایبند اتفاق کنیم که مشارکت کمتر از ۶۰ درصد را اصلا نپذیریم. اگر مشارکت ۶۰ درصدی بود این تضمینی برای بقا و پایداری نظام است. لذا اولین و مهم‌ترین عامل مشارکت است. عامل دوم اینکه شورای نگهبان بخواهد چه رفتاری کند؟ اگر تیغ تیز نظارت استصوابی را چنان تیز کند که مثل مجلس یازدهم شود باید از اصولگرایان قرض بگیریم تا لیست خود را ببندیم؟! باید در سبد ارائه‌کنان‌پداهای ما اصلاح طلب تایید شده و مانده باشد که، بوظایف کار کنیم. عامل سوم این است که اگر مردم شرکت کردند و اگر رفتار شورای نگهبان رفتار دقیق‌تری بود و سلبقده‌ای برخورد نشد آن‌وقت می‌رسیم به میزان انسجام و اتحاد درونی اصلاح‌طلبها چون بر فرض هم مردم شرکت کنند، بر فرض هم شورای نگهبان مناعت طبع خودش را نشان دهد، آن‌وقت تازه اگر بخواهیم مقابل یکدیگر بایستیم باز هم همان می‌شود. لذا این سه عامل را الان نمی‌شود پیش‌بینی کرد. می‌شود گفت که مردم چگونه عمل می‌کنند. نه می‌شود برخورد شورای نگهبان را پیش‌بینی کرد و نه وضعیت اصلاح‌طلبان مشخص است، درست است که ۳۱ حزب اصلاح‌طلب با هم ارتباط و جلسات داریم اما هر یک کدام از ما هم در حال تفکر هستیم و باید ابتدا انسجام درونی خودمان حاصل شود.

در پایان چند عبارت گفته می‌شود که پاسخ یک کلمه‌ای به

آنها کفایت می‌کند:

اعتراضات ۱۴۰۱؟

غیرطبیعی نمی‌دانم، با توجه به عملکردهایی که در مجموعه نظام داشتیم یک چیز طبیعی بود ولی نوع برخورد با این

اعتراضات را وضع نمی‌دانستم.

باینان و حزب موجود؟

باینان وضع موجود دو دسته هستند. یک عده‌ای خالصانه و مخلصانه در حد توانایی‌شان خدمت کردند و سالم هم زندگی کردند از اینها باید سیاست‌گذاری هم شود، البته ممکن است اشتباهاتی هم داشته باشند. اما یک عده‌ای کارهایی کردند که تا امروز اثر قدرت بلسند و بحث‌هایی از رانت‌خواری و غیره داشتند که با این دسته دوم به شدت مخالفم.

آیا خودتان را جزو باینان وضع موجود می‌دانید؟

ما بالاخره در مجلس هشتم و دهم بودیم‌ اما هیچ وقت اکثریت نداشتم.

حاکمیت یک دست؟

فکر می‌کنم تجربه این دو سال و اندی بعد از مجلس یازدهم و دولت سیزدهم نشان داد که وضع خیلی مطلوب نیست و خراب تر شده که بهتر نشده.

مجلس انقلابی؟

در شعار همه ما انقلابی هستیم ولی باید ببینیم که چقدر در اصل انقلاب کمک می‌کنیم برای پایداری انقلاب با آن اصول اولیه‌اش. خیلی‌ها ممکن است قیافه انقلابی بگیرند ولی تیشه گرفته‌اند تا بر ریشه انقلاب بزنند.

سید مردمین؟

این هم قشنگ است و ما هم سید محرومین را دوست داریم ولی شهرداری تهران که گفتند از قیرها هم می‌خواهند عوارض بگیرند گفت تا سید محرومان داریم می‌رسیم به آقابان محرومان!

دلا ۵ هزار تومانی؟

واقعا یک زمانی ایده یک عده‌ای بود که مسا اگر بیاییم می‌گذاریم دلا ۵ هزار تومان شود ولی با دلا ۴۵ هزار تومان دیدیم که از حرفه‌ها هم، روی مبنای علمی نبوده.

طلب از آن کره جنوبی؟

– این هم در همان راستای سیاست خارجی باید حل شود. کسره جنوبی بالاخره دو دوتا چهارتای خودش را دارد و معتقدم حتما با روش‌های مبتدی باید، طلب خودمان را وصول کنیم. مردم در یک سال گذشته علاوه بر فشارهای

اقتصادی، فشارهای اجتماعی زیادی هم تحمل کرده‌اند. پیام نوروزی شما در نوروز ۱۴۰۲ چیست؟

معتقدم با توجه به اینکه در ۱۴۰۱ مصیبت‌های زیادی دیدیم و اخیرا هم زلزله ترکیه و سوریه را مشاهده کردیم، باید با خانواده‌هایی که عزیزی را از دست دادند اظهار همدردی کنیم که گذشت و حوادث اغتشاشات به تعبیر بعضی‌ها و اعتراضات به تعبیر دیگر بحث‌های داشتیم، شاید ما دل خیلی خوشی نداریم برای اینکه عبد داشته باشیم اما معتقدم بشر به امید زنده است، یعنی ما باید به فضل الهی امیدوار باشیم و «لای یأس روح لله إلا الاقووم الکافرون» خدا هم می‌فرماید که بالاخره از امید الهی و بشارت الهی فقط کفار ما یوسند. ما امیدوار هستیم که خداوند به مسئولان و زمامداران ما یک عقلائیت بیشتر و سعه صدر بهتری بدهد تا در مردم بهتر کنایار بیاید و بعضی جاها که لازم است انتعاف نشان دهند و عقب‌نشینی کنند هیچ مشکلی پیش نمی‌آید، عقب‌نشینی باعث می‌شود مردم به ششادی بیشتری برسند. از روی‌های خوب و ساد خوبی دارم اما مقداری لاگرانگی که وضعیت اقتصادی سال جدید بدتر از امسال شود. امیدوارم این اتفاق نیفتد. از خدا هم می‌خواهم و در دعای سال تحویل هم می‌گویم: حوّل حالنا الی احسن‌الحال. احسن‌الحال یعنی وضعیت اقتصادی مردم حداقل بهتر از ۱۴۰۱ شود. باید بدست به دست هم دهیم و این کار را کنیم و مایوس نشویم. ضمن اینکه آن ناراضیاتی خودمان را همه داریم.